

۱. منصوری، جواد، *ساخت استکبار جهانی*، چ یازدهم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۲. کواکبی، عبدالرحمن، *طبیعت استبداد*، ترجمه‌ی عبدالحسین میرزا قاجار، نقد و تصحیح محمدجواد صاحبی، چ نخست، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۳. عسکری، عبدالعلی، *مبانی نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، تهران، سروش، ۱۳۸۷ ش.
۴. تافلر، الوین، *موج سوم*، ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی، چ هفتم، تهران، مترجم، ۱۳۷۱ ش.
۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *تهاجم فرهنگی*، به کوشش عبدالجواد ابراهیمی، چ نخست، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۶. کعبی، عباس، *ضمانت‌های اجرایی قانون اساسی*، چ نخست، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۷. نجفی، موسی، *مقدمه‌ی تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران*، چ دوم، تهران، منیر، ۱۳۷۸ ش.
۸. آل احمد، جلال، *غرب زدگی*، چ دوم، تهران، رواق، ۱۳۴۱ ش.
۹. نقوی، علی محمد، *جامعه‌شناسی غرب‌گرایی*، تهران، سپهر، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چ دوم، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش شهید شهرآبی، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، صدرا، ۱۳۵۶ ش.
۱۴. مدنی، سیدجلال الدین، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم، جامعه‌ی مدرسین، بی تا.
۱۵. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. روحانی، سیدحمید، *نهضت امام خمینی*، چ پانزدهم، تهران، عروج، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. سخاوتی، نصرالله، *اسلام و دموکراسی*، قم، مرکز پژوهش‌های حوزه، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. سخاوتی، نصرالله، «نگاهی به مفهوم مقبولیت در نظام سیاسی اسلام»، *معرفت*، ش ۵۵، تیر ۱۳۸۱ ش.
۱۹. خوشی، ابوالفضل، «تأملی بر اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳، سال دوم، زمستان ۱۳۸۴ ش.

اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا 7 و سیره رضوی

سیدمرتضی حسینی شاه‌ترابی^۱

چکیده

این پژوهش، اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا 7 و سیره‌ی رضوی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیش از سی اصل اخلاقی درباره‌ی اخلاق اجتماعی را از سیره، سخنان و احادیث آن امام استخراج و ارائه می‌نماید. برخی از این اصول بیان‌کننده‌ی شیوه‌ی تعامل با همبستگان خونی و نسبی، برخی نیز بیان‌کننده‌ی شیوه‌ی رفتار با همبستگان عقیدتی و مکتبی و برخی نیز فراگیر است.

واژگان کلیدی: اخلاق، سیره، امام رضا 7، رضوی، تاریخ، حدیث

مقدمه

اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا 7 و سیره‌ی رضوی چگونه است؟ این پرسش، پرسش آغازین و اصلی این پژوهش است و نوشتار حاضر می‌کوشد پاسخی مناسب برای آن بیابد. سیره‌ی اخلاقی امامان شیعه : و الگوگیری از رفتار و گفتار آن انسان‌های وارسته و کمال‌یافته، همواره، یکی از دغدغه‌های شیعیان و شیفتگان ائمه‌ی اطهار : بوده است. از این رو، پژوهش‌های متعدد و متنوعی در سیره‌ی اخلاقی ائمه‌ی اطهار : به ویژه سیره‌ی اخلاقی امام رضا 7، انجام شده است. در این موضوع، سه تحقیق مستقل و درخور توجه انتشار یافته است. نخستین آنها، کتاب *جنبه‌های اخلاقی و سیره‌های عملی حضرت رضا 7* است که «سیدهاشم رسولی‌محلاتی» آن را نگاشته است و کنگره‌ی جهانی امام رضا 7 در سال ۱۳۶۲ ش/ ۱۴۰۴ ق، در شصت صفحه، در مشهد مقدس منتشر نمود. کتاب بعدی، سیره‌ی

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم، دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.

امام رضا 7، به قلم «امیر مهدی حکیمی» می‌باشد که دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران در سال ۱۳۸۲ش، در اختیار پژوهشگران قرار داده است. این کتاب شانزده بخش دارد که شامل عناوینی شامل عنوان اخلاقی است؛ برای نمونه، سرشت‌های انسانی، تهاجم فرهنگی، سرگذشت شیفتگی، راپیان طلایی و آزادی انسانی، عناوینی بیرون از محدوده‌ی سیره‌ی اخلاقی هستند که در این نوشتار ارائه شده است. تتبع ناکافی، به هردو کتاب مذکور آسیب رسانده است. کتاب سوم، اخلاق رضوی: درس‌هایی برای زندگی از امام رضا 7 نوشته‌ی «ولی‌الله ملکوتی‌فر» است که نشر آژند در زمستان سال ۱۳۸۳ش، در سبزوار چاپ کرد. این کتاب شامل دویست صفحه و چهل درس می‌باشد. مراتب ایمان، شناخت مقام امامت، اسرار نماز شب، حسن ظن به خدا، طول امل، فضیلت ماه‌های رجب، شعبان و رمضان و فضایل زیارت امام علی بن موسی الرضا 7 از جمله عناوین درس‌های این کتاب می‌باشد. دسته‌بندی نکردن و آشفتگی مطالب، در هر سه کتاب مذکور، به ویژه نگاشته‌ی اخیر، به چشم می‌خورد.

هیچ یک از این سه، پاسخ مناسبی به پرسش‌های آغازین ما نمی‌دهند. بنابراین، پاسخ‌گویی به پرسش بالا، ویژگی اساسی پژوهش حاضر است. افزون بر آن، کیفیت ارائه و جامعیت مطالب نیز وجه تمایز این نگاشته با نگاشته‌های مذکور خواهد بود. بدین منظور، ساختار این مقاله و اصول اخلاقی ارائه‌شده، براساس منزلت اجتماعی افراد جامعه سامان‌دهی می‌شود. بر این اساس، ابتدا مفاهیم اخلاق اجتماعی و سیره را تبیین می‌کند و سپس به بیان اصول اخلاق اجتماعی در تعامل با افراد مختلف جامعه می‌پردازد. این افراد عبارت‌اند از: پدر و مادر، خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، کارگران و خدمت‌گزاران، مهمانان، ذریه‌ی پیامبر 9، محبین اهل بیت 10، عالمان دین، نیازمندان و دیگر مردم.

مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق؛ «اخلاق» جمع واژه‌ی «خُلُق» یا «خُلُق» و کلمه‌ای عربی است. 1 خُلُق یا خُلُق عبارت است از: خوی، خصلت، عادت، طبیعت، نهاد و سرشت. 2 و چون خُلُق درباره‌ی

۲. الخوری الشرتونی، اقرب‌الموارد فی فصیح‌العربیة والشوارد، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳. همان؛ معلوف، المنجد فی اللغة، ص ۱۹۴.

ویژگی‌های باطنی انسان به کار می‌رود، 3 باید گفت که اخلاق یعنی خوی‌ها، خصلت‌ها، صفات و خصایص نفسانی پایدار که منشاء افعال نیک و بد آدمی‌اند. این صفات و ویژگی‌های نفسانی پایدار را که در زندگی شخصی فرد و صرف نظر از ارتباط وی با دیگران ظهور و بروز یابد، اخلاق فردی می‌نامیم؛ ازسوی دیگر، زمانی که در ارتباط و تعامل با دیگر افراد جامعه بروز می‌یابد، اخلاق اجتماعی نامیده می‌شود.

۲. سیره: «سیره» واژه‌ای عربی و اسم مصدر «سیر» است. «سیر» به معنای «رفتن» و «سیر کردن در زمین» می‌باشد 4 و نیز بر گذشتن، روان شدن و حرکت کردن دلالت می‌کند. 5 راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد: «سیر یعنی گذشتن و عبور کردن در زمین» 6.

حروف «سین»، «یاء» و «راء» به صورت «سیر»، حرکت در روز و نیز حرکت در شب معنا می‌دهد 7 در حالی که به صورت «سری»، تنها حرکت در شب را می‌رساند. 8

چون وزن فعله در زبان عربی، بر نوع، کیفیت و هیئت عمل دلالت می‌کند، پس «سیره» به معنای حالت و چگونگی حرکت است، مانند «جلسةُ جلسة العبد؛ مانند عبد نشستم»؛ از این رو، معنای لغوی «سیره» عبارت است از طریقه، هیئت و حالت 9 و نیز آن را «سنت»، «مذهب» و «راه و روش» نیز معنا کرده‌اند. 10

در این باره، از سیره‌ی فرد، به صحیفه‌ی اعمال و «کیفیت سلوک» او بین مردم تعبیر می‌کنند. راغب اصفهانی می‌نویسد: «سیره حالتی است که نهاد و وجود انسان و غیرانسان بر آن است؛ چه غریزی چه اکتسابی. چنان‌که گفته می‌شود فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد» 11. با توجه به آنچه بیان شد و با عنایت به آثار نگارش یافته در این باره، برای این واژه دو مفهوم اصطلاحی در نظر گرفته می‌شود:

۴. حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۳، ص ۱۱۲.

۵. ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۶، ص ۴۵۳.

۶. احمدبن فارس بن زکریا، معجم مقاییس‌اللغة، ج ۳، ص ۱۲۰.

۷. راغب اصفهانی، معجم المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۸۳.

۸. احمدبن فارس بن زکریا، معجم مقاییس‌اللغة، ج ۳، ص ۱۲۰؛ ابن منظور، ج ۶، ص ۴۵۳.

۹. ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۶، ص ۴۵۳.

۱۰. المقری الفیومی، المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۲۹۹؛ ابن منظور، ج ۶، ص ۴۵۴.

۱۱. الخوری الشرتونی، اقرب‌الموارد فی فصیح‌العربیة والشوارد، ج ۱، ص ۸۶۲؛ معلوف، ص ۳۶۸.

۱۲. راغب اصفهانی، معجم المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۸۳.

۱. **فعالیت‌ها و عملکردهای شخص در عرصه‌های گوناگون؛** که با توجه به آثار نگاشته‌شده در سیره، نخستین مفهومی است که از این واژه به ذهن تبادر می‌کند و به نظر می‌رسد که این معنا استعمال بیشتر و رایج‌تری در بین سیره‌نویسان و تاریخ‌نگاران گذشته و حال داشته‌است: سیره به معنای سرگذشت و زندگی‌نامه یک انسان.

۲. **سبک، شیوه و قاعده رفتار:** توجه به این معنا، رویکردی تازه در سیره‌نگاری است. این جریان از عملکرد سیره‌نگاران پیشین انتقاد می‌کند و برخلاف آنان، که به شرح‌حال‌نویسی و گزارش وقایع و اتفاقات زندگی پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار : اکتفا می‌کردند، به شناخت و تبیین اصول، سبک و رفتار و کردار پیامبر ﷺ و امامان شیعه : می‌پردازد.^{۱۳}

آنچه مراد و منظور این پژوهش از سیره است، معنای اصطلاحی دوم می‌باشد. چون رفتارها و کردارهای آدمی، بروز و ظهور اندیشه‌های اویند و از افکار و باورهای او سرچشمه می‌گیرند، سخنان و احادیث رضوی را نیز به سیره‌ی رضوی ملحق می‌نماییم.

اصول اخلاق اجتماعی

همچنان که در مقدمه بیان شد، اصول اخلاقی استخراج‌شده درباره‌ی اخلاق اجتماعی را بر اساس منزلت اجتماعی کسانی که مورد تعامل قرار می‌گیرند، ارائه می‌نماییم:

۱. پدر و مادر

در آموزه‌های اخلاقی اسلام و پیشوایان شیعه، پدر و مادر اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارند و همواره به حفظ و حقوق آنان سفارش شده است. پدر و مادر نخستین کسانی‌اند که نقش اساسی در تعلیم و تربیت انسان ایفا می‌کنند و براساس رهنمودهای آنان حق بزرگی بر گردن انسان دارند و هر کس ملزم به رعایت و ادای آن می‌باشد. امام رضا ۷، درباره‌ی چگونگی رفتار با پدر و مادر و ادای حقوق آنان، سه اصل اخلاقی را یادآور می‌شوند:

۱-۱. **اصل تدبّر:** امام رضا ۷ از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند که «نگاه به والدین، عبادت است».^{۱۴} واضح است که منظور از این سخن، آن نگاهی می‌باشد که از عطف و مهربانی

۱۳. رک: مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، دفتر اول، ص ۳۹؛ مطهری، ص ۴۷-۵۳.

۱۴. اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۶۸: قال رسول الله ﷺ: ((مجالسة العلماء عبادة والنظر إلى علي عبادة والنظر إلى البيت عبادة والنظر إلى المصحف عبادة والنظر إلى الوالدین عبادة)).

باشد، نه خشم و ناسپاسی. از سوئی، به روشنی می‌توان دریافت که توصیه به نگرستن، بدین منظور است که فرزند با نگاه به چهره‌ی رنج دیده‌ی پدر و مادر، متوجه دردها و رنج‌هایی شود که آنان برای تربیت او متحمل شده‌اند، از این رو، نگاه به آنها عبادت به شمار می‌رود.

۱-۲. **اصل سپاس‌گزاری:** امام رضا ۷ می‌فرمایند: «خداوند به سپاس‌گزاری و شکرگویی الهی فرمان داده و آن را به قدردانی و سپاس از پدر و مادر مقرون و مشروط کرده است؛ پس کسی که شکرگویی و سپاس‌گزار والدینش نباشد، خدا را شکر نکرده است».^{۱۵}

۱-۳. **اصل نیکی:** امام رضا ۷ می‌فرمایند: «و نیکی به پدر و مادر - گرچه مشرک باشند، البته در شرک از آنها اطاعت و پیروی مکن - و در دنیا با آنها به نیکویی رفتار کن، زیرا خداوند می‌فرماید: "سپاس‌گزار من و والدینت باش. بازگشت به سوی من است و اگر تو را وادار کردند که آنچه بدان معتقد نیستی با من شریک سازی، اطاعتشان نکن».^{۱۶}

۲. خانواده

خانواده کوچک‌ترین بنیان جامعه است و پیشوایان اسلام با درک اهمیت و کارکرد ویژه‌ی آن در تأمین امنیت اخلاقی جامعه، پیروان خویش را به حفظ آن ترغیب نموده‌اند. بر همین اساس، برخی از اصول اخلاقی ضروری و مهم درباره‌ی شیوه‌ی رفتار با اعضای خانواده را بیان کرده‌اند. امام رضا ۷، هشتمین امام شیعیان نیز چهار اصل اخلاقی را برای یاران و پیروان خویش بیان نموده است که عبارت‌اند از:

۱-۲. **اصل حسن خلق:** علی بن موسی‌الرضا ۷ معتقد بودند: «کسی که اخلاق نیکو نداشته باشد، نباید به سعادت دنیا و آخرت امید داشته باشد».^{۱۷} ایشان از رسول خدا ﷺ نقل کردند

۱۵. شیخ صدوق، *الحصال*، ج ۱، ص ۱۵۶، رقم ۱۹۶؛ اربلی، همان، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۲۵، حدیث ۱۱۴۲۹: عن أبي الحسن الرضا ۷ قال: «إن الله عز وجل أمر بثلاثة مقرون بها ثلاثة أخرى أمر بالصلاة والزكاة فمن صلى ولم يرك لم تقبل منه صلاته وأمر بالشكر له وللوالدین فمن لم يشكر والدیه لم يشكر الله وأمر باتقاء الله وصلوة الرحم فمن لم یصل رحمه لم يتق الله عز وجل».

۱۶. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۴۲۰، قال الرضا ۷: «و بر الوالدین و إن كانا مشرکین فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنيا معروفان لأن الله یقول اشکر لی و لوالدیک إلی المصیر و إن جاهدک علی أن تُشکر بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما».

۱۷. همان، ص ۴۴۶، قال ۷: «خمس من لم تکن فیہ فلا ترجوه لشیء من الدنيا و الآخرة من لم تعرف الوثاقه فی أرومته و الکرم فی طباعه و الرصانة فی خلقه و النبل فی نفسه و المخافة لربه».

که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت از نظر جایگاه، کسی است که در دنیا خوش‌اخلاق‌تر و به خانواده‌ی خود نیکوکارتر باشد».^{۱۸}

۲-۲. اصل کار و تلاش: کار و تلاش برای تأمین نفقه و نیازهای اقتصادی خانواده، همواره، مورد تأکید پیامبر ﷺ و امامان شیعه : قرار گرفته است. بر همین اساس، امام رضا ۷ می‌فرماید: «آن‌که در تلاش روزی رود تا عائله‌ای را اداره کند، اجرش از مجاهد در راه خدا بیشتر است».^{۱۹}

۲-۳. اصل توسع: تأکید بر بهره‌مند نمودن اعضای خانواده از امکانات متعارف زندگی و تلاش در ایجاد رفاه و آسایش خانواده را می‌توان در این سخن امام رضا ۷ دید: «افرادی که قدرت مالی دارند، باید بر زن و فرزند خود توسعه و گشایش دهند».^{۲۰}

۲-۴. اصل مشی درست اقتصادی: تصمیم‌گیری درست اقتصادی نشان‌دهنده‌ی بلوغ فکری شخص در مسائل اقتصادی و بیان‌کننده‌ی رشد شخصیتی اوست. به همین سبب، امام رضا ۷ اندازه‌گیری درست معاش، به ویژه وضعیت معیشتی و اقتصاد خانواده را یکی از سه ویژگی لازم برای تکمیل حقیقت ایمان می‌دانند.^{۲۱}

۳. فویشاوندان

خویشاوندان بزرگ‌ترین گروهی هستند که از انسان پشتیبانی می‌کنند و پراکندگی و پریشانی او را از بین می‌برند و در مصایب و مشکلات، بیش از همه با وی مهربان و دلسوزند که مورد توجه و سفارش ائمه‌ی اطهار : بوده اند. امام رضا ۷ درباره‌ی آنها سه اصل اخلاقی بیان می‌کنند:

۳-۱. اصل صله‌ی رحم: امام ۷ می‌فرماید: «صله‌ی رحم کن، ولو به شربتی از آب (جرعه‌ای آب) ...».^{۲۲} و نیز می‌فرماید: خداوند عزوجل به تقوا امر کرده و آن را مشروط و

۱۸. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ۷، ج ۲، ص ۳۸، حدیث ۱۰۸؛ کنگره‌ی جهانی امام رضا ۷، ص ۶۷، حدیث ۱۲۴) عن رسول الله ﷺ: «أقربکم منی مجلسا یوم القیامة أحسنکم خلقا و خیرکم لأهلهم».
۱۹. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۵: قال ۷: «إن الذی یطلب من فضل یکف به عیاله أعظم أجرا من المجاهد فی سبیل الله».
۲۰. قال ۷: «صاحب النعمة یجب أن یوسع علی عیاله».
۲۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴۶: قال ۷: «لا یستکمل عبد حقیقه الإیمان حتی یتکون فیه خصال ثلاث التفقه فی الدین و حسن التقدیر فی المعیسة و الصبر علی الرزایا».
۲۲. همان، ص ۴۴۵: قال ۷: «صل رحمک و لو بشریه من ماء و افضل ما توصل به الرحم کف الأذى عنها و قال فی کتاب الله: لا تُبطلوا صدقاتکم بالمرء و الأذى».

مقترن به صله‌ی رحم فرموده است؛ بنابراین، کسی که صله‌ی رحم نکند، تقوای الهی ندارد و پرهیزکار نیست.^{۲۳}

۳-۲. اصل کمک و یاری: امام رضا ۷ در نامه‌شان به امام جواد ۷ نگاشتند: «ای اباجعفر، به من خبر رسیده است هنگامی که سوار بر مرکب می‌شوی، غلامانت تو را از درب کوچک بیرون می‌برند و این از بغل آنهاست تا خیری از تو به کسی نرسد. به حقی که بر گردنت دارم، از تو می‌خواهم که ورود و خروجت جز از درب بزرگ نباشد و هنگامی که بر مرکب سوار می‌شوی، با خود دینار و درهمی داشته باشی و سپس هر کس که از تو خواست، به وی عطا کنی! و اگر یکی از عموهایت از تو درخواست احسان کرد، به وی کمتر از پنجاه دینار نده و بیش از این را خود می‌دانی و اگر یکی از عمه‌هایت از تو درخواست نمود، کمتر از ۲۵ دینار به وی مده و بیش از آن را خود می‌دانی. من خواستار آنم که خداوند تو را به مرتبه‌ی رفیع برساند؛ پس انفاق کن و به لطف خدا، از تنگدستی بیمناک نباش».^{۲۴}

۴. دوستان

امام رضا ۷ در رفت و آمد و تعامل با دوستان می‌کوشیدند و رفتارشان به گونه‌ای بود که آنها را، حتی به صورت ناخودآگاه نیازارند. بر همین اساس، محمدبن فضل نقل می‌کند: «امام رضا ۷ روز عید فطر در حالی که دعا می‌کردند، به یکی از دوستان خویش فرمودند: "فلانی! خداوند از تو و ما قبول کند!" این ماجرا گذشت تا روز عید قربان. در روز عید قربان فرمودند: "فلانی! خداوند از ما و تو قبول کند!" به آن حضرت عرض کردم: "ای فرزند رسول خدا ﷺ، روز عید فطر به شیوه‌ی

۲۳. شیخ صدوق، الحصال، ج ۱، ص ۱۵۶، رقم ۱۹۶؛ اربلی، کشف الغممه، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شیخ حر عاملی، ج ۹، ص ۲۵، حدیث ۱۱۴۲۹: عن أبي الحسن الرضا ۷ قال «إن الله عز و جل أمر بثلاثة مقرون بها ثلاثة أخرى أمر بالصلاة و الزکاة فمن صلی و لم یزک لم تقبل منه صلاته و أمر بالشکر له و للوالدین فمن لم یشکر والدیه لم یشکر الله و أمر باتقاء الله و صلة الرحم فمن لم یصل رحمه لم یتق الله عز و جل».

۲۴. همان، ج ۲، ص ۸، حدیث ۲۰؛ کلینی، ج ۴، ص ۴۳، باب الانفاق: کاتب أبي الحسن الرضا ۷ إلى أبي جعفر: «یا أبا جعفر بلغنی أن الموالی إذا رکت أخرجک من الباب الصغیر فإنما ذلك من یخل بهم لثلا ینال منك أحد خیرا فأسألك بحقی علیک لا یکن مدخلک و مخرجک إلا من الباب الکبیر و إذا رکت فلیکن منك ذهب و فضة ثم لا یسألك أحد إلا أعطیته و من سألك من عموئک أن تبره فلا تعطه أقل من خمسين دینارا و الکثیر إلیک و من سألك من عماتک فلا تعطها أقل من خمسة و عشرين دینارا و الکثیر إلیک إني أرید أن یرفعک الله فأنتفق و لا تحش من ذی العرش إقتارا».

سخن گفتی و روز عید قربان به شیوه‌ای دیگر" فرمودند: بله، روز عید فطر به او گفتم: خداوند از تو و از ما قبول کند، زیرا او همانند من کار کرده بود؛ بنابراین، خودم و او را در این فعل شریک کردم. در عید قربان به وی گفتم: خداوند از ما و از تو قبول کند، زیرا من توانستم قربانی کنم و او نتوانسته است؛ بنابراین، ما کاری غیر از کار او انجام داده‌ایم»^{۲۵}.

۵. همسایگان

حفظ و رعایت حقوق همسایگان، یکی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی هر مسلمان است. امام رضا ۷ در این باره می‌فرماید: «مؤمن هنگامی که احسان می‌کند، خرسند می‌شود و هنگامی که اشتباه می‌کند، استغفار می‌نماید. مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. از ما نیست کسی که همسایه‌اش از آزار و اذیت او ایمن نباشند»^{۲۶}.

۶. کارگزاران و خدمت‌گزاران

کارگران و کارگزاران گرچه از نظر رتبه‌ی شغلی و پایگاه اجتماعی در زیردست قرار بگیرند، رفتار و تعاملی شایسته می‌طلبند که امام رضا ۷ این گونه بدان اشاره می‌کند:

۱-۶. **اصل عهد و پیمان:** سلیمان جعفری نقل می‌کند: «برای انجام کاری همراه امام رضا ۷ بودم. خواستم به خانه‌ام برگردم که امام ۷ فرمودند: «با من بیا و امشب را پیش من باش». با آن حضرت رفتم تا این که هنگام غروب وارد خانه‌شان شدند. غلامانشان مشغول بنایی بودند؛ گل درست می‌کردند و میخ آخور چارپایان را می‌بستند. غلامی سیه چرده هم با آنها بود که از جمله‌ی خدمت‌گزاران امام ۷ نبود. آن حضرت از غلامان خود پرسیدند: «این مردی که با شماست، کیست؟» پاسخ دادند: «به ما کمک می‌کند و مزدی به او می‌دهیم». پرسیدند: «دستمزدش را تعیین کرده‌اید؟» گفتند: «خیر، هر مقدار که به او بدهیم، راضی می‌شود.»

۲۵. کلینی، *الکافی*، ج ۴، ص ۱۸۱، باب النوادر؛ شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۱۷۳، حدیث ۲۰۵۳: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنِ الرَّضَا ۷ قَالَ «قَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ يَوْمَ الْفِطْرِ وَ هُوَ يَدْعُو لَهُ يَا فَلَانُ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَمِنَّا ثُمَّ أَقَامَ حَتَّى كَانَ يَوْمَ الْأَضْحَى فَقَالَ لَهُ يَا فَلَانُ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَمِنْكَ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ فِي الْفِطْرِ سَيِّئًا وَ تَقُولُ فِي الْأَضْحَى غَيْرُهُ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ إِنِّي قُلْتُ لَهُ فِي الْفِطْرِ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَمِنَّا لِأَنَّهُ فَعَلَ مِثْلَ فِعْلِي وَ تَأَسَّبْتُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْفِعْلِ وَ قُلْتُ لَهُ فِي الْأَضْحَى تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَمِنْكَ لِأَنَّهُ يُمَكِّنُنَا أَنْ يُضْحِيَ فَقَدْ فَعَلْنَا نَحْنُ غَيْرَ فِعْلِهِ». (در من لایحضره الفقیه به جای تاسیت واژه‌ی استویت را دارد).

۲۶. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۲، ص ۲۴، باب ۳۱، حدیث ۳: قال الرضا ۷: «المؤمن الذي إذا أحسن استبشر وإذا أساء استغفر والمسلم الذي يسلم المسلمون من لسانه ويده ليس منا من لم يأمن جاره بوائقه».

امام رضا ۷ بسیار خشمگین شدند. عرض کردم: «فدایت شوم؛ چرا خشمگین شدید؟» فرمودند: «بارها، آنها را از این کارها نهی کرده‌ام؛ از این که کسی را پیش از تعیین اجرتش به کار گیرند! بدان و آگاه باش، هر کارگری که بدون تعیین مزد، کاری برای تو انجام دهد، اگر سه برابر آنچه مزدش است، به او بپردازی، بازهم گمان می‌کند که از اجرتش کاسته‌ای و هنگامی که مزدش را تعیین کنی، سپس آن مزد را پرداخت کنی، تو را به خاطر وفای به عهدت می‌ستاید و اگر ذره‌ای بر آنچه تعیین کرده بودی، بیفزایی، آن را می‌داند و می‌فهمد که تو افزوده‌ای»^{۲۷}.

۲-۶. **اصل تواضع:** هرگاه برای امام رضا ۷ سفره‌ای می‌گستراندند، خدمتکاران و بردگان‌شان نیز با ایشان بر سر سفره می‌نشستند، حتی دربانان و مهتران^{۲۸}. عبدالله بن صلت از زبان یکی از اهالی بلخ روایت می‌کند: «در سفرشان به خراسان، با ایشان بودم. روزی، هنگام غذا دیدم که بردگان‌شان از سودانی و غیرسودانی با آن حضرت همسفره شدند. عرض کردم: «فدایت شوم! کاش اینها از سفره کنار می‌رفتند». فرمودند: «صبر کن! بی شک، خداوند تبارک و تعالی یکی، مادر یکی و پدر یکی است و پاداش را به کردارهای آدمی می‌دهند»^{۲۹}.

۳-۶. **اصل احترام:** از یاسر و نادر، خدمت‌گزاران امام رضا ۷، نقل است که ابوالحسن الرضا ۷ به ما خدمتکاران فرمودند: «اگر من بر فراز سر شما بایستم، در حالی که مشغول تناول طعامید، از جای خود برنخیزید تا زمانی که از خوردن غذا فارغ شوید». نقل می‌کند که چه بسا مواردی که بعضی از خدمتکاران را صدا می‌زدند و می‌گفتند که مشغول غذا خوردن هستند و امام ۷ می‌فرمودند: «بگذاریدشان از غذا خوردن فارغ شوند»^{۳۰}. نادر خادم می‌گوید: امام رضا ۷ زمانی که یکی از ما مشغول غذا بود، به کار وانمی‌داشتند تا غذایش را تمام کند و از غذا خوردن فارغ شود»^{۳۱}.

۴-۶. **اصل تکریم:** نادر خادم نقل می‌کند: «امام رضا ۷ جوزینه (بادام) را بر روی یکدیگر می‌گذاشتند و من می‌خوردم»^{۳۲}. ابراهیم بن عباس نقل می‌نماید: «هیچ‌گاه ندیدم که امام رضا ۷

۲۷. شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۷، ص ۲۱۲، باب الاجارات، حدیث ۱۴.

۲۸. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۲، ص ۱۸۴، باب ۴۴، حدیث ۷.

۲۹. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۲۳۰، حدیث یأجوج و مأجوج.

۳۰. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۹۸، باب النوادر؛ شیخ حر عاملی، ج ۲۴، ص ۲۶۶، حدیث ۳۰۵۰۹.

۳۱. همان؛ شیخ حر عاملی، ج ۲۴، ص ۲۶۷، حدیث ۳۰۵۱۰.

۳۲. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۹۸، باب النوادر: رَوَى نَادِرُ الْحَادِمِ قَالَ: «كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ۷ يَضَعُ جُوزِينَةً عَلَى الْأُخْرَى وَيُنَاوِلُنِي».

یکی از غلامان و بردگان خود را دشنام دهند»^{۳۳} امام رضا ۷ معتقد بودند: «کسی که غلامش را شلاق بزند، جزو بدترین مردمان است»^{۳۴}.

۷. مهمانان

مهمان‌نوازی در فرهنگ اسلامی، فضیلتی اخلاقی است و احادیث متعددی از پیشوایان دینی در ارج‌گذاری این خُلق انسانی بیان شده‌است. سیره‌ی رضوی نیز دو اصل اخلاقی را درباره‌ی مهمان‌خاطر نشان می‌شود:

۷-۱. **اصل تکریم:** حضرت ثامن‌الائمه ۷ از مهمانان‌شان با آغوش باز استقبال می‌کردند و به سخنان‌شان گوش می‌سپردند. اطعام‌شان می‌نمودند و تکریم و بدرقه‌شان می‌کردند. حتی امکانات بازگشت امن به خانه‌شان را فراهم می‌نمودند.^{۳۵}

۷-۲. **اصل احترام:** برای امام رضا ۷ مهمانی رسید و تا پاسی از شب نزد آن حضرت نشسته بود و سخن می‌گفت. در این میان، چراغ رو به خاموشی گذاشت. مرد مهمان دستش را دراز کرد تا چراغ را روبه راه کند، ولی امام ۷ وی را از این کار بازداشتند و خودشان چراغ را درست کردند. سپس فرمودند: «ما گروهی هستیم که هرگز مهمان را به کار وانمی‌داریم»^{۳۶}.

۸. ذریه‌ی پیامبر ۹

امام رضا ۷ از رسول خدا ۹ نقل کردند: «چهار دسته‌اند که من شفیع آنها در روز قیامت‌م: تکریم‌کننده‌ی ذریه‌ام پس از من و برآورنده‌ی حاجات آنها و کوشنده در انجام امور آنها هنگام نیاز آنها به او و دوست‌دارنده‌ی آنها به قلب و زبان»^{۳۷}. چهار اصل اخلاقی از این حدیث

۳۳. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۲، ص ۱۸۴، باب ۴۴، حدیث ۷: عن ابراهیم بن العباس قال: «ما رأیت أبا الحسن الرضا... و لا رأیته شتم أحدا من موالیه و ممالیکه قط...».

۳۴. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۴۴۸: قال علی بن شعیب: «دخلت علی ابي الحسن الرضا ۷ فقال لی یا علی من أحسن الناس معاشا قلت أنت یا سیدی أعلم به منی فقال ۷ یا علی من حسن معاش غیره فی معاشه یا علی من أسوأ الناس معاشا قلت أنت أعلم قال من لم یعش غیره فی معاشه یا علی أحسنوا جوار النعم فأنها وحشیة ما نأت عن قوم فعدت إلیهم یا علی إن شر الناس من منع رفده و أکل وحده و جلد عبده».

۳۵. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۱، ص ۹۷.

۳۶. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۸۳، باب کراهیه استخدام الضیف؛ مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۰۲.

۳۷. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۶، حدیث ۲: علی بن موسی الرضا ۷ عن ابيه عن ابيه عن علي ۷ قال قال رسول الله ۹: «أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة المكرم لذريتي من بعدي و القاضي لهم حوائجهم و الساعي لهم في أمورهم عند اضطرارهم إليه و المحب لهم بقلبه و لسانه».

استخراج می‌شود: ۱. اصل تکریم ذریه‌ی نبی ۹؛ ۲. اصل برآوردن حاجات؛ ۳. اصل تلاش برای انجام کارهای آنها؛ ۴. اصل محبت.

۹. دوست‌داران اهل بیت :

موسی بن سیار می‌گوید: «همراه امام رضا ۷ بودم و به حوالی دیوارهای طوس رسیده بودیم که آواهای فریاد و شیون شنیدیم. به دنبال صدای شیون رفتیم و جنازه‌ای دیدیم. در این هنگام دیدم که مولایم، علی بن موسی الرضا ۷ از اسب پیاده شدند و به سوی جنازه رفتند، آن را برداشتند و همچون فرزندی که مادر را در برمی‌گیرد جنازه را در بر گرفتند. سپس رو به من کردند و فرمودند: «کسی که جنازه‌ی دوستی از دوستان ما را تشییع کند، از گناهان پاک می‌شود مانند روزی که از مادر متولد شده است». پس از آن برخاستند و به دنبال جنازه تا لب قبر آمدند. آنگاه مردم را از اطراف جنازه کنار زدند و سپس دست مبارک خود را روی سینه‌ی میت گذاردند و فرمودند: «ای فلانی! مژده گیر به بهشت! از این ساعت دیگر خوف و ترسی بر تو نیست». عرض کردم: «فدایت شوم! این سرزمینی است که پیش از این در آن قدم نگذاشته‌ای! آیا این مرد را می‌شناختی؟!» فرمودند: «ای موسی بن سیار! مگر نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما را هر صبح و شام بر ما عرضه می‌کنند و هر تقصیری که در کارهای آنها باشد، ما از خدا می‌خواهیم که از آن بگذرد و آنچه کارهای خوب و نیک باشد، ما سپاس و تقدیر صاحب آن را از خدا می‌طلبیم»^{۳۸}.

۱۰. نیازمندان

کممک و دستگیری دیگران در نیازهای اقتصادی و غیراقتصادی، از توصیه‌های مهم ائمه اطهار : و کتاب آسمانی اسلام است. امام رضا ۷ در این باره به این اصول رهنمون می‌شوند: ۱۱-۱. **اصل رد نکردن محتاج:** آن حضرت ۷ می‌فرمودند: «مرد مسلمان تا ده صفت نداشته باشد، عقلش کامل نیست؛ یکی از این صفات این است که از رجوع حاجتمندان خسته نشود»^{۳۹}. ابراهیم بن عباس، درباره سیره‌ی امام هشتم ۷ می‌گوید: «هیچ‌گاه ندیدیم که حاجت کسی را رد کند، در حالی که توانایی انجام آن را دارد»^{۴۰}.

۳۸. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابي طالب ۷*، ج ۴، ص ۳۴۱؛ محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۹، ص ۹۸؛ محدث نوری، ج ۱۲، ص ۱۶۴، حدیث ۱۳۷۸۹.

۳۹. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۷۰۸.

۴۰. (شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۲، ص ۱۹۷).

۱۱-۲. اصل انفاق: مردی نزد امام رضا ۷ آمد و عرض کرد: «به من به مقدار کرم و مروت خود عطا کن!» امام ۷ فرمودند: «توانایی این کار را ندارم». عرض کرد: «پس به اندازه کرم و مروت خودم به من عطا فرما!» فرمودند: «این آری! سپس به غلام خود فرمودند که دویست دینار به این مرد عطا کند».^{۴۱}

آن حضرت ۷ در روز عرفه، در خراسان تمام دارایی خود را میان مستمندان تقسیم کردند. فضل‌بن سهل در واکنش به این بخشش آن حضرت گفت: «این زیان بزرگی بود». امام ۷ فرمودند: «بلکه غنیمتی بود. چیزی را که من به وسیله آن پاداش و کرامت خریداری کردم، زیان محسوب نکن!»^{۴۲}

غفاری نقل می‌کند: «مردی از خاندان ابی رافع (آزادشده رسول خدا ۹) از من طلبی داشت. او پیوسته طلب می‌کرد و مرا تحت فشار قرار داده بود. من که چنان دیدم، روزی از روزهای ماه رمضان، نماز صبح را در مسجد مدینه خواندم و به قصد زیارت آن حضرت و استمداد از آن بزرگوار، که در «عریض» (چند فرسخی مدینه) سکونت داشتند، حرکت کردم. هنگامی که به خانه‌ی آن حضرت رسیدم، ایشان را دیدم که پیراهن و عبایی بر تن داشتند و سوار بر الاغ، از خانه‌شان خارج شدند. وقتی دیدمشان، شرم و حیا بر من مستولی شد و چیزی نگفتم. امام ۷ توقف کردند و نگاهی به من انداختند. سلام کردم و عرض نمودم: «فلانی که یکی از دوستان شماست، از من طلبی دارد و به خدا سوگند، نام مرا بر سر زبان‌ها انداخته و مرا رسوا کرده است». با این گفتارم فکر کردم امام ۷ به آن مرد طلبکار دستور می‌دهند از مطالبه‌ی طلب خویش خودداری کند و به خدا سوگند نه گفتم که طلب او چه قدر است و نه چیز دیگری گفتم. امام ۷ به من دستور دادند بنشینم تا ایشان برگردند.

من درحالی که روزه بودم، همچنان نشستم تا هنگام مغرب و نماز مغرب را نیز خواندم. دلم گرفته بود و می‌خواستم برگردم که دیدم آن حضرت پیدا شدند و مردم دورشان را گرفتند؛ جمعی از ساکنان و نیازمندان هم بر سر راهشان نشسته بودند. امام ۷ به آنها صدقه دادند و احسان کردند و همچنان آمدند تا وارد خانه شدند. طولی نکشید که از خانه بیرون آمدند و مرا به خانه دعوت کردند. برخاستم و به درون خانه رفتم. نزد آن حضرت نشستم و از ابن مسیب

۴۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب ۷، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ح ۱۶.

۴۲. همان؛ همان.

بر ایشان سخن گفتم. وقتی سخنانم پایان یافت، فرمودند: «گمان دارم افطار نکرده‌ای!» عرض کردم: «نه». امام ۷ ظرف غذایی طلبیدند و پیش من گذاردند و من با غلامان خوردم. چون فارغ از غذا شدیم، فرمودند: «این زیرانداز را بلند کن و هرچه زیر آن است، بردار». من زیرانداز را بلند کردم و دینارهایی زیر آن دیدم. آنها را برداشتم و در جیبم گذاشتم. سپس به چهارتن از غلامان خود دستور دادم تا همراه من بیایند و مرا به خانه‌ام برسانند. عرض کردم: «قربانت شوم! شبگردان ابن مسیب اطراف شهر می‌گردند و من خوش ندارم مرا همراه غلامان شما ببینند». امام ۷ به غلامان دستور دادند که همراه من بیایند تا هر جا که من از آنان خواستم، بازگردند و آنها همین کار را کردند. وقتی به نزدیک شهر رسیدم، به آنها گفتم بازگردند. به خانه‌ی خود آمدم، چراغی خواستم و دینارها را شمردم. دیدم ۴۸ دینار است و طلبی که آن مرد از من داشت ۲۸ دینار بود. در میان دینارها دیناری دیدم که برق می‌زد و می‌درخشید؛ از آن دینار خوشم آمد. آن را برداشتم و نزدیک چراغ بردم. دیدم به خط خوانا و آشکار روی آن حک شده: «طلب این مرد از تو ۲۸ دینار است و بقیه مال خودت»!^{۴۳}

منقول است که امام ۷ وقتی دیدند غلامانشان میوه‌ای خورده و نیم‌خورده رها کرده‌اند، آنها را مورد عتاب قرار دادند و فرمودند: «سبحان الله! اگر شما به آن نیازی ندارید، مردم به آن نیازمندند! به کسی که احتیاجش دارد، بدهید».^{۴۴} آن حضرت می‌فرمودند: «خداوند ضایع کردن مال را دشمن می‌دارد».^{۴۵}

امام رضا ۷، همواره، از مرغوب‌ترین و بهترین اموال و دارایی‌های خود انفاق می‌کردند. معمر بن خالد می‌گوید: «امام رضا ۷ پیش از آغاز غذا ظرفی می‌طلبیدند و آن را نزدیک سفره می‌گذاشتند. سپس به بهترین غذایی که برایشان می‌آوردند، می‌نگریستند و از هر غذا مقداری برمی‌داشتند و در آن می‌گذاشتند. پس از آن، دستور می‌دادند آن سینی را برای بینوایان ببرند. سپس این آیه را تلاوت می‌کردند: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ»^{۴۶} و می‌فرمودند: «خداوند عزوجل می‌داند که هر انسانی قادر بر آزادی رقبه نیست. به همین دلیل، به وسیله‌ی اطعام، برای آنها راهی به سوی بهشت گذاشته

۴۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۷، حدیث ۱۲.

۴۴. همان، ج ۴۱، ص ۱۰۲.

۴۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۷۰۹.

۴۶. بلد: ۱۱.

است»^{۴۷}. ایشان می‌کوشیدند به شیوه‌ای انفاق کنند که عزت نفس فرد کمک‌گیرنده خدشه‌دار نشود. یسع بن حمزه نقل می‌کند: «در محضر حضرت رضا ۷ نشسته بودم و جمع بسیار زیادی از مردم نزد آن حضرت آمده بودند و درباره‌ی حلال و حرام از آن بزرگوار می‌پرسیدند. مردی سیاه‌چرده و بلندقامت به حضور آمد و سلام کرد. گفت: «من مردی از دوستان شما و پدران و اجداد شما هستم که از سفر حج بازمی‌گردم. پولم گم شده‌است و چیزی ندارم که به شهر و دیار خود بروم. اگر می‌توانید، مقداری به من بدهید تا به شهر خود برسم و پس از رسیدن به شهر خود، آن را از طرف شما صدقه خواهم داد، زیرا مستحق صدقه نیستم.» امام ۷ به او فرمودند: «خدایت رحمت کند، بنشین». سپس رو به مردم کردند و گفت‌وگوی خود را با آنها ادامه دادند تا وقتی که یکی یکی رفتند و به جز من، سلیمان جعفری، خثیمه و آن مرد کسی نماند. آن‌گاه امام ۷ از ما اجازه گرفتند و برخاستند و به اندرون خانه رفتند؛ پس از مدتی، به پشت در اتاق آمدند. دست خود را از بالای در بیرون آوردند و فرمودند: «مرد خراسانی کجاست؟» آن مرد برخاست و عرض کرد که این‌جایم. فرمودند: «این دوپست دینار را بگیر و در خرج راه خود مصرف کن و صدقه هم نده و از این‌جا برو که من تو را نبینم و تو هم مرا نبینی». سپس خود بیرون آمدند. سلیمان جعفری عرض کرد: «قربانت گردم! شما احسان و کرم کردی. پس چرا روی خود را از این مرد پوشاندی؟» فرمودند: «از این بیم که خواری درخواست - به خاطر قضای حاجتش - را در چهره‌ی او ببینم. مگر نشنیده‌ای که رسول خدا ۹۱ می‌فرمایند: کسی که کار نیک را پنهان دارد، با هفتاد حج معادل است و کسی که کار بدی را آشکار سازد، خوار و زبون گردد و گناه در پنهان مستحق آمرزش است»^{۴۸}.

۱۲. مردم دیگر

افزون بر اصول بیان شده، اصولی همگانی وجود دارد که امام رضا ۷ و سیره‌ی رضوی صرف نظر از موقعیت و منزلت اجتماعی افراد، بر آنها تأکید می‌کردند. این اصول عبارت‌اند از:

۱-۱۲. اصل مدارا با مردم: امام رضا ۷ فرمودند: «مؤمن واقعاً مؤمن نیست، مگر این‌که سه خصلت در او جمع باشد: خصلتی از پروردگارش، خصلتی از پیامبرش و خصلتی

۴۷. برقی، المحاسن، ص ۳۹۲؛ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۷.

۴۸. کلینی، الکافی، ج ۴، صص ۲۳ و ۲۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۱، حدیث ۱۹.

از امامش. اما خصلتی که از پروردگارش باید دارا باشد، رازداری است که خدای متعال می‌فرماید: "دانای غیب و نهان است و احدی را بر اخبار غیبی مطلع نسازد، مگر رسولی را که بپسندد"^{۴۹}. اما خصلتی که از رسول خدا ۹ باید داشته باشد، مدارا و سازش با مردم است، زیرا خدای تعالی پیامبرش را به مدارا کردن با مردم دستور داده است: راه گذشت و مدارا را پیش بگیر و به نیکی حکم کن و از جاهل روی گردان باش.^{۵۰} اما خصلتی که باید از امامش اخذ کند، صبر و شکیبایی در سختی‌ها و فشارهای زندگی است. خداوند می‌فرماید:

و در سختی (زندگی) و زیان (جسمی) و به هنگام سختی (جنگ)، شکیبایند^{۵۱}.

۱۲-۲. اصل تواضع: امام رضا ۷ با مردم بسیار فروتن بودند و متواضعانه رفتار می‌کردند. روزی، به حمام رفتند و مردی که ایشان را نمی‌شناخت، از آن حضرت خواست که بدنش را کیسه بکشند. امام ۷ تقاضای او را پذیرفتند و به کیسه کشیدن مشغول شدند. دیگران که امام ۷ را در این حال دیدند و شناختند، آن مرد را از جریان آگاه کردند. آن مرد هنگامی که امام ۷ را شناخت پریشان و پشیمان شد و عذرخواهی نمود، ولی امام ۷ همچنان که از او دلجویی می‌کردند به کار خود ادامه دادند و بدن او را کیسه کشیدند.^{۵۲} ابراهیم بن عباس می‌گوید: «امام رضا ۷، هیچ‌گاه، پای خود را در برابر کسی که نشسته بود، دراز نمی‌کردند و در برابر کسی که روبرویشان نشسته بود، تکیه نمی‌دادند و هرگز قهقهه نمی‌زدند. خنده‌شان تبسم بود».

۱۲-۳. اصل نیکو سخن گفتن: امام رضا ۷ با مردم کم سخن می‌گفتند^{۵۳} و هیچ‌گاه دیده نشد که با سخن خود، بر کسی جفا کنند. سخن کسی را قطع نمی‌کردند تا شخص از

۴۹. جن : ۲۶ و ۲۷.

۵۰. اعراف : ۱۹۹.

۵۱. بقره: ۱۷۷.

۵۲. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا ۷، ج ۱، ص ۲۵۶، حدیث ۹: عن الحارث بن الدهاث مولى الرضا ۷ قال: سمعت أبا الحسن ۷ يقول: «لا يكون المؤمن مؤمناً حتى يكون فيه ثلاث خصال سنة من ربه و سنة من نبيه و سنة من وليه فالسنة من ربه كتمان سره قال الله عز و جل عالم الغيب فلا يُظهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ و أما السنة من نبيه فمداراة الناس فإن الله عز و جل أمر نبيه ص بمداراة الناس فقال خُذِ الْعَفْوَ و أْمُرْ بِالْعُرْفِ و أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ و أما السنة من وليه فالصبر في البأساء و الضراء فإن الله عز و جل يقول و الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ و الضَّرَّاءِ».

۵۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۹، حدیث ۱۶.

۵۴. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا ۷، ج ۲، ص ۱۷۹، حدیث ۳.

گفتار فارغ می‌شد.^{۵۵} هیچ کس نمی‌توانست در خانه‌ی ایشان صدایش را بالا ببرد، هر کس که بود.^{۵۶}

۱۲-۴. **اصل یاری ناتوان:** علی بن موسی الرضا ۷ می‌فرمودند: «یاری کردن افراد ناتوان، از برترین صدقات است».^{۵۷}

۱۲-۵. **اصل دوستی:** می‌فرمودند: «دوستی با مردم، نیمی از عقل است».^{۵۸}

۱۲-۶. **اصل سخاوت:** می‌فرمودند: «انسان سخی به خدا، بهشت و مردم نزدیک است و از آتش دوزخ دور می‌باشد و بخیل از بهشت و مردم دور به دوزخ نزدیک است».^{۵۹} می‌فرمودند: «سخاوت درختی است در بهشت که شاخه‌هایش در دنیایند. هر کس به شاخه‌ای از آن بیاویزد، داخل بهشت شده است».^{۶۰} می‌فرمودند: «سخاوتمند از غذای مردم می‌خورد تا آنها از غذای او بخورند و بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا آنها از غذای او نخورند».^{۶۱}

نتیجه

در پاسخ بدین پرسش: «با توجه به سیره‌ی اخلاقی امام رضا ۷، چه اصولی در زمینه‌ی اخلاق اجتماعی می‌توان ارائه و پیشنهاد کرد»، دریافتیم که در برابر پدر و مادر باید تدبیر در رنج‌ها و زحمات‌های آنها، سپاس‌گزاری از نیکی‌های آنها و نیکی کردن به آنان را باید به خاطر داشته باشیم. در برابر خانواده باید حسن خلق، کار و تلاش برای کسب روزی حلال، توسع و مشی درست اقتصادی را مدنظر قرار دهیم. در برابر خویشاوندان باید صله‌ی رحم، کمک و یاری

۵۵. همان، ج ۲، ص ۱۸۴، حدیث ۷.

۵۶. همان، ج ۲، ص ۱۷۹، حدیث ۳.

۵۷. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۴۴۶: قال ۷: «عونك للضعيف من أفضل الصدقة».

۵۸. همان، ص ۳۴۴: قال ۷: «التودد إلى الناس نصف العقل».

۵۹. شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۲، ص ۱۲، حدیث ۲۷: عن الحسن بن علي الوشاء قال: سمعت أبا الحسن ۷ يقول: «السخي قريب من الله قريب من الجنة قريب من الناس بعيد من النار والبخیل بعيد من الجنة بعيد من الناس قريب من النار». قال و سمعته يقول: «السخاء شجرة في الجنة أغصانها في الدنيا من تعلق بغصن من أغصانها دخل الجنة».

۶۰. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۴۴۶؛ شیخ صدوق، *عیون اخبار الرضا ۷*، ج ۲، ص ۱۱، حدیث ۲۶: عن ياسر الخادم عن أبي الحسن الرضا ۷ قال: «السخي يأكل من طعام الناس ليأكلوا من طعامه والبخیل لا يأكل من طعام الناس لئلا يأكلوا من طعامه».

آنها و پرهیز از آزار و اذیت آنان را به خاطر بسپاریم. در برابر دوستان و همسایگان پرهیز از رنجش و آزار آنها را سرلوحه‌ی رفتار خود قرار دهیم. در برابر کارگران و کارگزاران زیردست خویش، تعیین دستمزد، همسفرگی، تناول، احترام و اجتناب از تنبیه بدنی را به یاد داشته باشیم. در برابر مهمانان اصل تکریم و اجتناب از به زحمت انداختن آنان را مدنظر بگیریم. درباره‌ی ذریه‌ی پیامبر ۹ به تکریم، برآوردن حاجات، تلاش برای انجام کار آنها و محبت توجه داشته باشیم. درباره‌ی دوست‌داران اهل بیت: به تکریم و تشییع جنازه پایبند باشیم. در برابر نیازمندان رندکردن محتاج و انفاق را به یادآوریم و شیوه‌ی انفاق را با دقت و احتیاط به کار بندیم. اصول رازداری، مدارا با مردم، تواضع، دقت در سخن گفتن، یاری ناتوان، دوستی با مردم و سخاوت را نیز از یاد نبریم.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن (قرن چهارم)، *تحف العقول*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸)، *مناقب آل ابی طالب ۷*، قم: مؤسسه‌ی انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن منظور (م ۷۱۱ ق.)، *لسان‌العرب*، تصحیح: امین محمد عبدالوهاب و محمد الصادق العبیدی، چ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه‌ی تاریخ العربی، ۱۴۱۶ ق.
۴. احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین (م ۳۹۵ ق.)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳)، *کشف‌الغمه*، تبریز، چاپ مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴)، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۷. الخوری الشرتونی، سعید، *اقرب‌الموارد فی فصح‌العربیة والشوارد*، چ دوم، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۹۲ م.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیره‌ی نبوی، چ دوم*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م ۵۰۲ ق.)، *معجم‌المفردات فی غریب‌القرآن*؛ ضبط ابراهیم شمس‌الدین، چ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴)، *وسائل‌الشیعه*، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت ۷، ۱۴۰۹ ق.

۱۱. شیخ صدوق (م ۳۸۱)، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. شیخ صدوق (م ۳۸۱)، *عیون اخبار الرضا ۷*، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۳. شیخ صدوق (م ۳۸۱)، *من لایحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. شیخ طوسی (م ۴۶۰)، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۵. کلینی (م ۳۲۹)، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۶. کنگره‌ی جهانی امام رضا ۷، *صحیفه الرضا ۷*، انتشارات کنگره‌ی جهانی امام رضا ۷، ۱۴۰۶ ق.
۱۷. مجلسی (م ۱۱۱۱)، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، مؤسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق.)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره‌ی نبوی*، چ پنجم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. معلوف، لویس، *المنجد فی اللغة*، چ چهارم، نشر ذوی‌القربی، ۱۴۲۳ ق.
۲۲. المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی، *المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی*، چ اول، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.

نقش تربیت اجتماعی در جلوگیری از بزهکاری

مصطفی سلیمانی^۱

چکیده

امروزه، بزهکاری یکی از حادث‌ترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف به شمار می‌رود. پیدایش جوامع و ارتکاب جرم، در آغاز با یکدیگر همراه بوده‌اند، زیرا از روزی که افراد دور هم جمع شدند و تشکیل جامعه دادند، جرم نیز با آنان همراه شد و گسترش یافت. رسوخ بزهکاری و ریشه‌دار شدن آن موجب بیم و نگرانی بیشتری شده است. بزهکاری از جرایمی به وجود می‌آید که در زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد و به همین دلیل زمانی که مورد بررسی قرار می‌گیرند، در حقیقت همه‌ی پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و... جامعه عمیقاً مورد مطالعه واقع می‌شوند.

قرآن کریم برای پیش‌گیری از جرم و خشکاندن علل و ریشه‌های آن، مقررات بدیعی ارائه داده است که شامل پیش‌گیری اصلاحی، وضعی و کیفری می‌شود که در این نوشتار عنوان می‌گردد.

این نوشتار با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با هدف بررسی و تبیین دیدگاه قرآن در پیش‌گیری از جرم و بیان راهکارهای اصلاح مجرم و زمینه‌ی بازگشت وی به جامعه و سازگاری او می‌باشد. در این مقاله مشخص می‌گردد که وقتی در جامعه‌ای ثبات و پایداری وجود نداشته باشد، بزهکاری رو به افزایش می‌گذارد و به عکس، هر چه جامعه به سوی پایداری سوق داده شود، میزان بزهکاری کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: بزهکاری، جرم و مجرم، پیش‌گیری اصلاحی، کیفری، وضعی،

اعتقادات دینی، سطوح پیشگیری، تربیت اجتماع.

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم.